

شادباش حزب توده ایران به حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت

سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر



شماره ۱۲۸ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۱۳۴۵/۸/۲۲
بها ۲۰ ریال

رفقای ارجمند!

کمیته مرکزی حزب توده ایران سالگرد شکوهمند انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به شما، همه کمونیست ها و خلق های اتحاد شوروی صمیمانه شادباش می گوید و دروهای آتشین و انقلابی خویش را به این مناسبت تقدیم می دارد. انقلاب دوران ساز اکتبر، همانگونه که تاریخ بشریت را عمیقاً دگرگون ساخت، فصل نوینی را در جنبش های ضد استعماری، رهایی بخش، دمکراتیک و انقلابی کشور ما آغاز کرد. این انقلاب همواره الهام بخش طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران بوده و پیوسته بر توانمندی مبارزات آنها در راه پیشرفت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم افزوده است.

نخستین دولت کارگران و دهقانان همچنین نخستین دولت جهان بود که اصل لنینی برابر حقوق ملل را در مناسبات خویش با کشورها بکار برد و سیاست خارجی خود را در قبال میهن ما بر پایه احترام به حق حاکمیت، مناسبات صلح جویانه و پشتیبانی فعال از خواست های استقلال طلبانه مردم ایران استوار ساخت. کمونیست ها و نیروهای دمکراتیک و مترقی ایران در نزدیک به هفت دهه گذشته حتی یک لحظه نیز از همبستگی بیدریغ حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی بی بهره نمانده اند. این همبستگی همیشه هنگامی به اوج خود رسیده است که ارتجاع ایران حزب توده ایران را آماج بقیه در ص ۶

شکل و شیوه و عرصه مبارزه در شرایط دشوار کنونی

مسئله شکل و شیوه و عرصه مبارزه که مورد بحث امروز ماست، اهمیت فوق العاده ای دارد. حزب ما معمولاً در اسناد و مدارک مصوب ارگانهای عالی، اشکال و شیوههایی را که باید مورد استفاده قرار گیرند و نیز عرصه های مبارزه خود را با دقت و موشکافی تعیین می کند. این هم طبیعی است. اما مسئله مهم دیگر که نباید از نظر دور داشت، شکل و عرصه مبارزه ای است که دشمنان طبقاتی درصدد تحمیل آنها به ما هستند. پیش بینی اشکال و عرصه های پیکار دشمن که خارج از اراده ما تعیین می شوند، مشکل است، گر چه در مواردی می توان برخی از آنها را پیش بینی کرد.

در بدو پیروزی انقلاب بهمین ۵۷ مسئله حاکمیت به مثابه عمده ترین مسئله انقلاب در جامعه مطرح بود. در فاز نخست پس از انقلاب روحانیان پیرو خمینی که در راه دستیابی انحصاری به حاکمیت مبارزه می کردند، تعیین کننده شکل و عرصه مبارزه نبودند. در جو حاکم انقلابی آن ایام مبارزه در عرصه اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جریان داشت و شکل مبارزه نیز توده ای و مسالمت آمیز بود. مسئله حائز اهمیت مضمون و محتوی نبرد خلق بود. توده های میلیونی خواهان آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بودند و دانسته یا ندانسته دستیابی به آرمانهای خود را در نطفی ورد نظام سرمایه داری می دیدند.

در این فاز از مبارزه، روحانیون پیرو خمینی با وجود طیف گسترده پایگاه اجتماعی شان، عمدتاً شعارهای خلقی انقلاب را که حزب ما و برخی دیگر از سازمانهای انقلابی مطرح می کردند، به عاریت گرفتند و بدینسان خود را مدافع سرخست منافع توده های محروم جامعه معرفی کردند. در چنان شرایطی، چنانکه در اسناد مصوب کنفرانس ملی تأیید شده، حزب توده ایران، شکل مبارزه بردن شعارهای ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری و خلقی به میان مردم به قصد شکافتن هر چه بیشتر مضمون آنها برای بالا بردن آگاهی سیاسی توده ها بقیه در ص ۲

خجسته باد شخصیت و نیمین سالگرد اکتبر کبیر، سرفصل رهایی انسان!

رفیق نسیم، عضو هیات سیاسی حزب کمونیست فلسطین
شرایط برای اتحاد مبارزان فلسطینی و پرکراری کنفرانس بین المللی در منطقه فراهم می شود
در ص ۸

امپریالیسم دشمن شمار یک کشورهای رشد یابنده در س ۵ شادباش کمونیست های یونان و آه بوجیا در ص ۲

پیرامون مسافرت مک فارلین به تهران

مسافرت رابرت مک فارلین مشاور امنیتی سابق ریگان به تهران و اقامت پنج روزه وی و همراهانش در جمهوری اسلامی مورد بحث مطبوعات جهان است.

در اینکه مک فارلین با چهار نفر از همراهان خود مدت پنج روز در یکی از هتل های تهران اقامت داشتند جای تردیدی نیست. سؤال این است که مک فارلین نماینده ویژه ریگان با اجازه چه کسی و برای چه منظوری به تهران آمده بود؟

جالب است تا زمانی که خبر گزارهای غربی و بویژه "بی بی سی" این خبر را پخش نکرده بودند، مقامات جمهوری اسلامی مهر سکوت بر لب زده بودند و کوچکترین خبری در این باره منتشر نداشتند. آنها فقط پس از افشا خبر درصدد توجیه آن برآمدند. مثلاً، هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که گویا مشاور امنیتی سابق ریگان و همراهانش مدت پنج روز در هتل "بازداشت" بودند و خمینی ملاقات سران رژیم را با وی ممنوع کرده است.

میر حسین موسوی، نخست وزیر رژیم، در روز ۱۴ آبان ماه - یعنی پس از بازگشت فرستاده بقیه در ص ۶

از فدائیان خلق حمایت کنید!

به تناسب افزایش دامنه فعالیت نیروهای انقلابی و مترقی، رژیم برفشار خود افزوده و دامنه پیگرد و دستگیری فزونی یافته است. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی اطلاعیه ای از جمله اعلام داشته است: " رژیم تبهکار و خونریز خمینی در ادامه تلاش های امریمنی اش برای سرکوب مبارزات مردم و نابودی سازمان های انقلابی و ترقی خواه ایران، از مدتی پیش یورش های تازه ای را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آغاز کرده است. سپاهیان و مزدوران رژیم همه امکانات خود را در تهران و شهرستان ها بکار انداخته اند تا مگر با این تهاجم جدید، رهبران، کادرها و اعضاء سازمان را ردگیری و اسیر کنند و فعالیت انقلابی ما را که در سراسر کشور جریان دارد، متوقف نمایند. در نتیجه این تلاش های فاشیستی به چند واحد سازمانی ما در تهران و شهرستان ها ضربه وارد شده و عده ای از کادرها و اعضاء سازمان ما اسیر گشته اند. ساواک خمینی فدائیان بازداشت شده را به منظور کسب اطلاعات از تشکیلات و فعالیت سازمان زیر شکنجه شدید جسمی و روانی قرار داده و جان آنها را معرض خطر جدی است...

حزب توده ایران که بسیاری از اعضاء آن نیز در شرایط سخت پیگرد و دستگیری و شکنجه قرار دارند، از هسته های مخفی و همه اعضاء و هواداران خود می طلبد که برای کمک به نیروهای انقلابی و مترقی و بویژه سازمان برادر از هیچ نوع فداکاری و همکاری دریغ نورزند.

ما یورش فاشیستی ارگان های سرکوبگر رژیم به سازمان را محکوم می کنیم و مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی - مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی - را وظیفه کلیه نیروهای انقلابی و دمکراتیک می دانیم.

شکل و شیوه و عرصه *

راه انتخاب و به رژیم تبدیل کرد. این شکل از مبارزه به نفع مایود. زیرا، حزب مایگانه سازمان سیاسی بود که توانست برنامه‌های جامع رشد اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه را در همه زمینه‌ها تنظیم و در معرض قضاوت عام قرار دهد. هدف نیز در این مرحله معین بود: جدا کردن توده‌های میلیونی مردم از آن گروه از رهبرانی که به علل عدیده قادر به برآورده ساختن خواسته‌های آنها نخواهند بود. از طریق نشان دادن زیبونی، بی‌ارادگی، دورویی، فرومایگی و فروماندگی سران مرتجع رژیم.

در آن ایام جز این شکل از مبارزه راهی برای جدا کردن توده‌ها از سران و افسرهای رژیم وجود نداشت. زیرا توده‌های میلیونی زحمتکشان در تجربه سیاسی خود می‌بایست به این نتیجه می‌رسیدند که کدام نیروی سیاسی مدافع پیگیر منافع آنهاست و کدام نیرو به منافع برحق آنها خیانت می‌کند و شعارهای انقلاب را زیر پا می‌گذارد.

سران خیانتکار رژیم که بدرستی و اثربخشی راه مای‌برده بودند، می‌بایست تا به طریقی شکل مبارزه را تغییر دهند. در مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیک، طرفی که به قدرت استدلال و عقاید خود توده‌ها دارد و نمی‌تواند از طریق مبارزه ایدئولوژیک وارد عرصه بیکار شود، معمولاً شکل وارد ساختن تهمت و افترا را انتخاب می‌کند. از بدو تشکیل نخستین گروه‌های کمونیستی در جهان، بورژوازی این شیوه ناپسند را انتخاب کرده و در سراسر جهان نیز رواج داده است. در کشور مانیز چنین بوده و هست. بلافاصله پس از تشکیل حزب توده ایران نمایندگان بورژوازی و فئودال‌ها در صف واحدی علیه ما برخاستند و چه تمتهائی که به حزب ما وارد نساختند. مزدورانی که استقلال کشور را از بین برده و میهن ما را به خوان بخمای امپریالیسم انگلیس و آمریکا بدل کرده بودند، بدون ذره‌ای شرم ما را "مامور بیگانه" می‌خواندند. وقتی رفیق شهید سیامک را به جاسوسی برای بیگانگان منتم کردند، سخنان وی در بیدارگاه نظامی را بخاطر بیاروید. او گفت: "... من هر روز صبح گزارش کار اداره سررشته‌داری را به یک مامور بیگانه می‌دادم... او یک مستشار و جاسوس آمریکائی بود که من به دستور اربابان شما مجبور بودم هر روز گزارش کارها را به او بدهم."

سران ج.ا. نیز که یارای رویارویی ایدئولوژیک با ما ارانداشتند، پادرجای پای سلف خود گذاردند. شکل مبارزه به تهمت و افترا و برجسب تغییر یافت. یورش اول و دوم به حزب با هدف دست نیافتنی "انحلال کامل" حزب انجام شد، همان کاری که بارها در زمان رژیم پیشین آزمایش شده و با شکست مواجه گردیده بود. چنانکه دیدیم رژیم ج.ا. هم با ناکامی روبرو شد.

اما مبارزه طبقاتی در جامعه ادامه دارد. رژیم نیک می‌داند که حزب توده ایران در عرصه سیاسی عمل می‌کند، موتور این بیکار هیجگاه از کار باز نخواهد ایستاد. تصادفی نیست که سران رژیم در میان نیروهای چپ، حزب توده ایران را بزرگترین دشمن خود می‌دانند و تقریباً تمام

توان خود را برای مقابله با آن تجهیز کرده‌اند. در این مبارزه طبقاتی، دشمن از اعمال هیچ یورش کثیف فاشیستی علیه حزب ما امان ندارد. با استفاده از ساواکیهای در خدمت ج.ا. برای حزب ما "تاریخ" می‌نویسد، به نام هواداران حزب شننامه‌های ضد حزبی پخش می‌کند و حتی می‌کوشد با نفوذ دادن عمال و دست پروردگان خود حزب را از درون بهاشاند. این شیوه‌ها نیز تا زگی ندراند و از جانب ساواکیهای در خدمت رژیم ج.ا. دیکنه می‌شوند. پاشاندن حزب از درون از آرزوهای شاه خاشی و اربابان اوبود که با خود بگور بردند. سران ج.ا. نیز سزائی جز این نخواهند داشت. البته باید توجه داشت که این به هیچ وجه به معنی کم بهادادن به اعمال خرابکارانه ارگانهای سرکوبگر اطلاعاتی رژیم نیست. حزب باید از کلیه امکانش برای افشا توطئه‌های رژیم، استفاده کند. مراعات انضباط آگاهانه و آموهن از بالاترین، حفظ اسرار حزبی و تأمین انسجام درون حزبی که کنفرانس ملی بر آنها تاکید ورزید، گامهای مؤثری در این راه بشمار می‌روند.

و.ای. لنین در اثر مشهور خود «بیماری کودکی چپ‌گرایی در کمونیم» خاطر نشان ساخت که بعد از هر یورش وحشیانه ارتجاع دلمردگی، ضعف روحی، تفرقه و انشعاب، تشتت افکار، ارتداد و هرزه نگاری جایگزین سیاست می‌شود. سازمانهای سیاسی ایران و از جمله حزب توده ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبودند. خوشبختانه با وجود ضربه سنگینی که به حزب ما وارد شد، اکثریت مطلق رفقای ما به حزب توده‌ای خود و جهان بینی آن صادق و وفادار ماندند. عده انگشت شماری که پشت به حزب اراهنبا ورزیده‌ها کردند، خیلی زود طینت ناپاک خود را به نمایش گذاردند و با هرزه نگاریها نقاب از چهره برگرفتند. اینک همگان به عیان مشاهده می‌کنند که چه افکار شومی زیر پوشش "مراعات دمکراسی درون حزبی"، "استفاده از خرد جمعی" و ... نهان بود. و در پشت جمله‌بندیهای فریبکارانه، نظرات ضد توده‌ای، ضد کمونیستی و ضد شوروی، درونمایه افکار گردانندگان این جریان را تشکیل می‌داد. چنین است "کار پایه" سیاسی متحد کننده مشتکیسانی که به منافع طبقه کارگر پشت کرده‌اند. درست به همین علت برخی از رفقای وفادار و صادق حزبی که زمانی به ظاهر گفته‌های آنها باور کرده بودند، اینک رویگردان شده‌اند. ما جز این هم انتظار نداشتیم. جای هر توده‌ای صادق در صفوف حزب است. درهای حزب همیشه بروی آنها باز بوده و هست.

کنفرانس ملی، کارخانه‌های بزرگ محله‌های کارگری، مزارع، محلهای اجتماعی زحمتکشان روستا، دانشگاهها و... را مهمترین عرصه بیکار تعیین کرده است. هدف ما سرنگون کردن رژیم است. این نیز بدون تشکیل توده‌ها و سازمان دادن مبارزه مشترک آنها امکان پذیر نیست. برای دستیابی به این هدف باید در میان مردم بود، باید با پخش تراکتها و شننامه‌ها خواسته‌های روز زحمتکشان و راه حل نهائی آنها را مطرح کرد. نباید فراموش کرد که برنامه حزب تلفیق کار عملی و مخفی را نیز جزو اشکال مبارزه در شرایط مشخص کنونی معین کرده است. مهارت مبارزان متشکل در هسته‌های حزبی در چگونگی درآمیزی کار مخفی و علنی است. زیرا فقط در اینصورت است که قدرت بالقوه هسته‌های حزبی دوچندان خواهد شد و ما امکان آن را خواهیم یافت تا زحمتکشان را حول شعارهای خود که بازتاب خواست آنهاست، بسیج کنیم. آیا این کار مشکل است؟ آری، بی اندازه مشکل است.

این سخنان لنین را بخاطر بسیاری که می‌گفت: "انقلابی شدن بهنگامی که آتش انقلاب شعله کشیده و زبانه‌های آن همه جا را فرا گرفته است و عناصری از هر قماش بصرف شیفتگی یا بخاطر مد و حتی گاه به هوای جاه و مقام به صفوف انقلاب می‌پیوندند، کار دشواری نیست... بس دشوارتر و به همان نسبت ارزنده‌تر است که انسان هنگامی که شرایط لازم برای بیکار مستقیم، آشکار، واقعاً توده‌ای و واقعا انقلابی فراهم نیامده است، بتواند انقلابی باشد..." (همانجا، ص ۵۷).

ما مطمئن هستیم که توده‌ها این سخن لنین را آویزه گوش خود خواهند کرد و بر هر مشکلی فائق خواهند آمد.

مبارزه ما ادامه دارد. ما یقین داریم که در این مبارزه پیروزی از آن طبقه کارگر و متحدانش خواهد بود. تاریخ در این سمت در حرکت است و هیچ نیروئی قادر نخواهد شد که چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند.

و.ای. لنین در اثر مشهور خود «بیماری کودکی چپ‌گرایی در کمونیم» خاطر نشان ساخت که بعد از هر یورش وحشیانه ارتجاع دلمردگی، ضعف روحی، تفرقه و انشعاب، تشتت افکار، ارتداد و هرزه نگاری جایگزین سیاست می‌شود. سازمانهای سیاسی ایران و از جمله حزب توده ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبودند. خوشبختانه با وجود ضربه سنگینی که به حزب ما وارد شد، اکثریت مطلق رفقای ما به حزب توده‌ای خود و جهان بینی آن صادق و وفادار ماندند. عده انگشت شماری که پشت به حزب اراهنبا ورزیده‌ها کردند، خیلی زود طینت ناپاک خود را به نمایش گذاردند و با هرزه نگاریها نقاب از چهره برگرفتند. اینک همگان به عیان مشاهده می‌کنند که چه افکار شومی زیر پوشش "مراعات دمکراسی درون حزبی"، "استفاده از خرد جمعی" و ... نهان بود. و در پشت جمله‌بندیهای فریبکارانه، نظرات ضد توده‌ای، ضد کمونیستی و ضد شوروی، درونمایه افکار گردانندگان این جریان را تشکیل می‌داد. چنین است "کار پایه" سیاسی متحد کننده مشتکیسانی که به منافع طبقه کارگر پشت کرده‌اند. درست به همین علت برخی از رفقای وفادار و صادق حزبی که زمانی به ظاهر گفته‌های آنها باور کرده بودند، اینک رویگردان شده‌اند. ما جز این هم انتظار نداشتیم. جای هر توده‌ای صادق در صفوف حزب است. درهای حزب همیشه بروی آنها باز بوده و هست.

کنفرانس ملی، پس از تحلیل علمی و همه جانبه، اشکال و عرصه‌های نبرد را نیز در شرایط کنونی دقیقاً تعیین کرده است. در برنامه حزب گفته می‌شود: "... بیگانه‌راه اشتغال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق اعمال قهر انقلابی است. در مبارزه برای سرنگون کردن رژیم می‌توان و باید از تمام اشکال مبارزه، از نظارات خیابانی و اعتصابهای همگانی گرفته تا مبارزه مسلحانه توده‌ای استفاده کرد. حزب توده ایران تدارک اشکال قهر انقلابی را وظیفه خود می‌داند و توده‌ها را در این راه آماده می‌کند."

این بند از برنامه با انطباق با اصل لنینی انتخاب اشکال و شیوه‌های مبارزه است. لنین

فکران کن که خربزه آب است!

وزیر کشاورزی به هنگام بازدید از موسسه "پرورش قارچ خوراکی" گفت: "وزارت کشاورزی با حرکت اخیر خود در زمینه ایجاد هسته های تولیدی و سرمایه گذاری، دریافت که امکانات بالقوه زیادی در کشور وجود دارد و می توان در هر منطقه با توجه به ویژگی های جغرافیایی و آب و هوایی آن به تولید گل، گیاهان دینتی، دارویی، قارچ، ماهی، ماهیان و دیگر فرآورده ها پرداخت" ("اطلاعات" ۱۴ شهریور ۶۵).

متعاقب این اظهارات، روزنامه های مجاز و مجبوزی جمهوری اسلامی در چند شماره پیاپی در فواید گسترش کشت قارچ و آشنایی مردم با فرهنگ قارچ خوری و جایگزینی آن بجای پروتئین حیوانی قلم فرسایی کردند.

ممکن است گفته شود که کشت و پرورش قارچ خوراکی و تولید آن از دیدگاه متخصصان کشاورزی عمل غیرمعقول و نابخودنی نیست. باید پاسخ داد که با توجه به شرایط کشاورزی روبه موت کشور ما که اساسی ترین نیاز مردم یعنی غلات و حبوبات و گوشت در سطح نازلی تولید می شود در جیره بندی برای هر نفر در ماه ۷۰۰ گرم گوشت پخت زده به قیمت ۷۵۰ ریال در نظر

برای تحقق همین هدفهای ضد مردمی است که وزیر کشاورزی روزی خیر از انعقاد "قرارداد کشت انگور فرنگی" با نیوزیلند می دهد و روز دیگر هیئتی را برای مطالعه در اطراف "کشت و تولید قارچ خوراکی" به هلند می فرستد. همین چندی پیش نیز وی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "چه اشکالی دارد که با گسترش کشت هندوانه و خربزه، زمینه صدور آن را فراهم آوریم و با ارز حاصل محصولات مورد نیاز (مثل گندم) را وارد کنیم".

طبیعی است که این گونه حرفها و ارائه چنین برنامه هایی که مثل باد هوا از دهان دیگر مسئولان ج.ا. نیز خارج می شود، برای ایجاد انحراف در افکار عمومی است. امروز با گذشت نزدیک به ۷ سال از انقلاب نه تنها بهبودی در امور کشاورزی به چشم نمی خورد، بلکه ورشکستگی و آشفتگی سرپای بخش تولید کشاورزی میهن ما را فرا گرفته است. میزان واردات محصولات عمده نسبت به سال ۵۶ از مرز چهار برابر گذشته است و سیر صعودی آن همچنان ادامه دارد. افزایش روز افزون واردات، تنها در مورد محصولات اساسی و مورد نیاز مردم از قبیل گندم و مرغ و گوشت و ... نیست، بلکه در زمینه ماشین آلات کشاورزی،

یک دهقان خوزستانی

"حتی اگر به قیمت ریختن خونمان تمام شود به هیچکدام از سرمایه داران و شیوخ اجازه نمی دهیم که حتی یک متر مربع از این زمینها را مجدداً تصرف نمایند".

"کیهان" ۱۰ اکتبر ۶۵

گرفته شده است ("کیهان" ۲۰ شهریور ۶۵). استفاده از سرمایه و امکانات و آب و خاک کشور برای تولید و پرورش "قارچ خوراکی" جز به معنی به مسخره گرفتن مردم ایران نیست. در کشورهای با سطح مصرف بالا نیز کشت و پرورش قارچ خوراکی، نه برای تامین پروتئین مورد نیاز مردم، بلکه به عنوان چاشنی و ایجاد تنوع در غذا تولید و مصرف می شود. اینها مطالب پیچیده ای نیست که مسئولان وزارت کشاورزی در ج.ا. آن را ندانند. باید دید پشت پیشنهاد برای اجرای این طرحهای لوکس که یادآور کشت مارچوبه در اراضی زیرکشت سد دزد در زمان وزارت روحانی است، چه هدفهایی پنهان است.

اجرای این طرحها، برای مردم ایران نان نمی شود، اما برای نورچشمی هایی که به این بهانه از اعتبارهای کلان بانکی بهره مند می شوند و پیوند خود را با کشورهای سرمایه داری غرب تحکیم می کنند، بسیار آیدار می نماید.

کودشیمیایی و انواع و اقسام وسائل و تجهیزات و داروهای مورد نیاز دامداری ها نیز بیداد می کند و این در حالی است که کوچکترین موفقیتی در زمینه افزایش تولید کشاورزی دیده نمی شود. در چنین شرایطی دولت و مسئولان وزارت کشاورزی بجای برخورد اصولی با مسئله و حل آن بر حمایت خود از بخش خصوصی می افزایند. کار تشویق سرمایه داران به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی گاه به مرز مضحکه کشیده می شود.

بهرحال، در شرایطی آقای وزیر به فکر توسعه کشت قارچ خوراکی افتاده است که مردم ایران زمینه نابودی آن قارچهای سمی را فراهم می سازند که در هیئت سران مرتجع ج.ا. و غارتگران طرفدار آنها در جامعه انقلابی ما روئیده اند. باید به آقای وزیر گفت: فکر نان کن که خربزه آب است.

*

احزاب برادریه حزب توده ایران شادباش می گویند:

شادباش حزب کمونیست یونان

پیکار قهرمانانه تودهای هابار رژیم سرکوبگر

رفقای عزیز،

به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب توده، ایران درودهای گرم و رزمی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان را بپذیرید.

کمونیستهای یونان از مبارزه و جانبازیهای کمونیستهای ایران در سراسر دوران زندگی حزب توده، ایران نیک آگامند. شامواره و پیگیر علیه ارتجاع و امپریالیسم و بخاطر پاسداری از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران، دمکراسی و آزادی اجتماعی رزمیده آید.

رفقای عزیز، کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان بار دیگر پشتیبانی خود را از پیکار قهرمانانه تان با رژیم سرکوبگر ایران و برای پایان دادن بیدرنگ به جنگ ایران و عراق - جنگی که تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع داخلی است - اعلام می دارد. این مبارزه در شرایط دشوار تروریسم نظامی، شکنجه و اعدام بسیاری از اعضا و کادرهای حزب ادامه می یابد.

بیروزی شما را در پیکار برای آزادی فوری و بلاشرط زندانهای سیاسی، اتحاد همه نیروهای ملی و دمکراتیک، دمکراسی و سوسیالیسم آرزو مندیم.

با درودهای رفیقانه،

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

شادباش کمونیستهای کامپوچیا

حزب توده ایران

راهگشای مبارزه با ارتجاع

رفقای عزیز،

بنام کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق کامپوچیا و همه مردم کامپوچیا چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب توده، ایران را به کمیته مرکزی حزب شما و همه کمونیستهای ایران شادباش می گوئیم.

حزب توده، ایران پیوسته با مشی مارکسیستی - لنینیستی خود رهگشای مبارزه با امپریالیسم، رژیم دیکتاتوری شاه و دیگر نیروهای ارتجاعی بوده است. اکنون نیز مردم ایران به رهبری دلیرانه حزب توده، ایران، در راه آماجهای انقلابی می رزمند.

در آستانه جشن تاریخی حزبتان برای همه کمونیستها و طبقه کارگر ایران خواستار پیروزیهای هر چه بیشتر در پیکار برای استقلال، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و صلح جهانی هستیم.

باشد که پیوندهای دوستی و همبستگی میان دو حزب و خلقهای ما هر چه بیشتر گسترش یابد.

با درودهای رفیقانه،

هنگ سامرین

دبیر کل کمیته مرکزی

حزب انقلابی کامپوچیا

جنگ عامل تشدید کننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان، بیکاری روز افزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!

خجسته یادشصت و نهمین سالگرد اکتبر کبیر

سرفصل رهایی انسان!

روز ۷ نوامبر (۱۶ آبان ماه)، خجسته سالروز پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، تزاری، به رهبری لنین بزرگ، روز سور و سرور کارگران و زحمتکشان جهان است. توده‌های رنج و کار این روز را جشن می‌گیرند و اکتبر را بحق باتمام وجود گرامی می‌دارند، چرا که سرآغاز دگرگونی‌های ژرف انقلابی و طلبیه‌دار مهمترین مرحله در تکامل جامعه انسانی در سراسر تاریخ و جهان گردید. پیدایش نخستین حکومت کارگران و دهقانان روی زمین، درخشش ستاره سیدروزی راستین جامعه بشری و بیگ بزرگترین آفرینش آزادیبخش انسانی در برپایش نظام اجتماعی عادلانه سوسیالیستی؛ نظامی آزاد از بهره‌کشی انسان از انسان و دیگر اشکال مستغری ملی، نژادی، اجتماعی و طبقاتی بود.

کشور شوراهادر درازای ۶۹ سال زندگی شگرف و راهگشای خود، راه تاریخی پرشکوه و عظمتی را پیموده است. راه افتخارآفرین و بی‌فراز و فرودی که با یورش قهرمانانه کارگران و سربازان و ملوانان انقلابی پهلویگرداد به "کاخ زمستانی" - اقامتگاه تزار، دژ استبداد و بیدادگری تزاریسم - آغاز گردید و آورده‌گاه‌های گوناگون پیکارهای سهمگین جنگ‌های داخلی و بهاداری در برابر چهارده دولت مداخله‌گر خارجی را درنوردید و دوران دشوار و سرشار از آفرینش بازسازی اقتصاد ویران و شالوه ریزی اقتصاد و فرهنگ نوین سوسیالیستی و سالیهای خونبار نبردهای حماسه‌ای برضد ارتش فاشیسم هیتلری و روزهای پرنج و محنت دوران بازسازی پس از جنگ را از سر گذراند و این کشور را به باره شکست‌ناپذیر سوسیالیسم پیروزمند بدل ساخت.

پیروزی انقلاب اکتبر و تشکیل دولت شوراهای سرآغاز دوران تاریخی نوین، دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم بود. اکتبر کبیر، ایجادگر جامعه بیگانه از ستم و بهره‌کشی، برافروزنده مشعل سیاست نوین بین‌المللی، سیاست صلح و تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز بود. اکتبر کبیر با ایجاد چرخشی نوین و سرنوشت‌ساز در روند تکامل جامعه انسانی، بزرگراه پیروزی انقلابهای سوسیالیستی در دیگر کشورهای جهان و پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی، یعنی نیرومندترین پایگاه پاسداری از صلح، سوسیالیسم، آزادی و ترقی اجتماعی و سترگ‌ترین سنکر پشتیبانی از پیکار خلفها در مبارزه برضد امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و نژادپرستی را گشود. اکتبر کبیر به جنبش کارگری بین‌المللی و جنبشهای آزادیبخش خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین زندگی و نیروی تازه بخشید، شکاف ژرفی در زنجیره به هم پیوسته جهان سرمایه‌داری پدید آورد و به پشتوانه آن فروپاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم جهانی آغاز گردید.

در پرتو تأثیرات انقلاب اکتبر در سالهای پس از پیروزی، شیارهای عمیق بخاطر دگرگونیهای انقلابی بر چهره جهان نقش بسته است. جامعه کشورهای سوسیالیستی شکل گرفته است، خلق شوروی

سرگرم ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته است و با موفقیت بسوی کمونیسم به پیش می‌تازد. دیگر از امپراطوریهای استعماری اثری نیست. جنبش کارگری و کمونیستی جهانی به وزین‌ترین و پراعتبارترین نیروی سیاسی-اجتماعی جهان معاصر و عامل تعیین‌کننده تاریخ و دوران مانتبدیل شده است. هم اکنون حل قطعی هیچ مسئله عمده بین‌المللی بدون حضور کشورهای سوسیالیستی امکان‌پذیر نیست. مارکسیسم - لنینیسم، اندیشه‌های والای الهامبخش انقلاب اکتبر با جنبشهای آزادیبخش در مقیاس جهانی پیوندهای هر چه استوارتری برقرار می‌سازد. احزاب کمونیست، گردانهای پیشتاز طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته توش و توان می‌یابند و مبارزه طبقاتی زحمتکشان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی تشدید می‌گردد. بسیاری از کشورهای از بند رسته مستغری سوسیالیستی را برمی‌گزینند. مبارزه برضد امپریالیسم و در راه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز به یک مبارزه جهانگیر مبدل گردیده و با پشتیبانی نیرومند اردوگاه سوسیالیسم و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی دامنه هر چه فراختری بخود می‌گیرد.



اکتبر کبیر، به عنوان عظیم‌ترین رویداد دگرساز تاریخی سده بیستم، گشاینده فصل کیفی نوینی در مناسبات بین‌المللی بسود خائفهای جهان بود. جامعه کشورهای سوسیالیستی خدمت‌پر بهائی به امر مبارزه بخاطر بازسازی سالی نظام مناسبات بین‌المللی برپایه اصول عادلانه کرده و می‌کند. به ابتکار اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و به پشتیبانی گروه بزرگی از کشورهای غیر متعهد، مهمترین اصول دمکراتیک بر ابر حقوقی در زمینه استقلال، حاکمیت، عدم دخالت در امور دیگر کشورها در اسناد سازمان ملل متحد ثبت شده است.

امروزه جامعه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد جماهیر شوروی، نقش قاطعی در پیشبرد امر صلح و جلوگیری از جنگ هسته‌ای ایفا می‌کنند. توازن نظامی-استراتژیک میان اتحاد شوروی و ایالات متحده، به عنوان یکی از بزرگترین دستاوردهای تاریخی سوسیالیسم، یکی از مهمترین پشتوانه‌های پاسداری از صلح و امنیت

ناقوس

بانگ بلند دلکش ناقوس
در خلوت سحر،
بشکافتست خرمن خاکستر هوا
وز راه هر شکافته بازخمه‌های خود
دیوارهای سرد سحر را
هر لحظه می‌برد.
:::
ناقوس دلفواز
چاربرده گرم در دل سرد سحر به ناز
آرای او به هر طرفی راه می‌برد
سوی هر آن فرآز که دانشی،
اندوهر آن نشیب که خوانی،
در رخنه‌های تیره‌ی ویرانه‌های ماه،
در چشمه‌های روشنی خانه‌های ماه،
در هر کجا که مرده به داهی ست،
بپادل فسوده مانده چراغی ست،
تأثیر می‌کند.
اوروز و روزگار بهی را
(گمگشته در سرشت شهبی سرد)
تفسیر می‌کند.
وزهر رنگش ز هوش برفته
هر شعله گان به در آید،
با لذت از زمانی شادی پرورد
آن نغمه می‌سراید
اوباشوای گرمش دارد
حرفی که می‌دهد همه را با همه نشان،
تا با هم آورد
دل‌های خسته راه،
دل برده است از همه مردم کشان کشان،
:::
باهر نوای نغزش رازی نهفته را
تعبیر می‌کند،
از هر نوای
این شگفته گشته فاش
کاین کینه دستگاه
تعبیر می‌کند.
:::
دهنگ دانگ ا... شده در
این بانگ دلفواز،
از خانه ی سحر
خاموش تا کند
قندیل‌ها به خلوت فسخانه‌های مرگ.
شد این ندای بلند
تاریخته ی گزند
لرزد ز هول آن.
:::
دهنگ دانگ ا... در مرآه ی زندگی که هست
اینست ره به روزرهای
با او کلید صبح نمایان.
وین است یک محاسبه ی در خور حیات
با دستکارت روز عمل گشته معنای
از دستگاه دهد جوانی گرفته جان.
بی هیچ ریب، آنچه که ناقوس
تفسیر می‌کند، همه حرف شهیدنی ست،
"دوران عمر زودگذر، ارزشش نیست
در خیر از برای کسان
مگر بارور نباشد،
سود هزار تن را
اندو زبان کارتنی چند،
خواهان اگر نباشد"

* پاره‌هایی از شعر
بهمن ۱۳۲۲

نهایوشیح

امپریالیسم دشمن دشمنان یک کشورهای رشد یابنده

استعماری، کشورهای صنعتی سرمایه داری فروتنی به مراتب بیشتر از آنچه که دولتهای استعماری طی ۲۰۰ سال غارت کرده بودند، از کشورهای رشد یابنده به شکل سود خارج کرده اند.

ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری سالیانه از کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین به اشکال مختلف ۳۰۰ میلیارد دلار خارج می کنند. سودی که سالیانه از سوی کشورهای نواستقلال به بانکهای ایالات متحده آمریکا منتقل می شود ۱/۵ برابر بیشتر از به اصطلاح کمکی است که از جانب آن کشورها به مجموع این کشورها می شود.



ناتوانی نیروی انسانی بزرگ آفریقا و آسیا در برابر ماشینهای صنعتی

اگر میانگین سود انحصارهای فرامپلینی آمریکا از سرمایه گذاری در کشورهای رشد یافته صنعتی سالیانه ۷/۹ درصد است، این رقم در کشورهای رشد یابنده به ۱۷/۵ درصد بالغ می شود. در کشورهای آسیایی سود حاصل از سرمایه گذاری این انحصارها حتی به رقم درشت ۲۴/۷ درصد می رسد.

در حال حاضر انحصارهای فرامپلینی حدود ۴۰ درصد تولید صنعتی، تقریباً نصف مبادلات خارجی و از آنجمله ۱/۳ صادرات کشورهای رشد یافته را تحت کنترل دارند. انحصارهای فرامپلینی نقش درجه اول را در غارت این کشورها ایفا می کنند. طی ۱۲ سال (۱۹۸۲ - ۱۹۷۱) سرمایه گذاری انحصارهای فرامپلینی آمریکا در "جهان سوم" به ۵۲ میلیارد دلار بالغ شد. جالب است که فقط طی شش سال (۱۹۸۲ - ۱۹۷۷) سود آنها به ۶۲ میلیارد دلار رسید.

در سالهای ۷۰ میلادی کل سرمایه گذاری انحصارهای فرامپلینی در کشورهای رشد یافته ۶۲/۶ میلیارد دلار بود. طبق آمار رسمی، در همان فاصله سود حاصله از این سرمایه گذاری به ۱۲۹/۷ میلیارد دلار رسید. به بیان دیگر، انحصارهای فرامپلینی در مقابل هر دلار سرمایه گذاری ۲/۲۴ دلار سود خالص بدست می آورند.

در آغاز دهه ۸۰، حدود ۱۵۵ انحصار بزرگ فرامپلینی ۷۵ درصد صادرات جهانی نفت، ۸۵ - ۸۰ درصد صادرات بوسنیت و مس، ۹۵ - ۹۰ درصد سنگ آهن، ۹۰ درصد چوب، ۹۰ - ۸۵ درصد تنباکو و گندم و پنبه و قهوه و کاکائو، ۸۰ درصد چای و ۷۰ درصد برنج را تحت نظارت مستقیم خود داشتند.

بدون مبارزه، سر سخت و پیگیر و متحد علیه انحصارهای فرامپلینی راه خروجی از فقر و مسکنت برای مردم کشورهای "جهان سوم" وجود ندارد.

در اسناد مصوب کنفرانس ملی حزب توده ایران خاطر نشان می شود که سیاست نواستعماری امپریالیسم و انحصارهای فرامپلینی، ورطه میان کشورهای رشد یافته و رشد یافته صنعتی را هر چه زودتر کرده است.

پیکره های رسمی زیرین که از جانب سازمانهای جنبی سازمان ملل متحد منتشر شده است، صحت این نظر را به ثبوت می رساند:

در اوایل سالهای ۸۰ میلادی درآمد سرانه در کشورهای رشد یافته ۱۲ بار کمتر از شاخص مشابه در کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری بود. طی سه دهه اخیر این اختلاف فاحش نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش نیز یافته است.

طبق ارزیابی سازمان مواد غذایی و محصولات کشاورزی سازمان ملل متحد (فاو) امروز ۱۰ درصد ساکنان کره زمین گرسنگی می کشند، ۴۷ درصد ساکنان شهرها و ۸۷ درصد ساکنان روستاها در شرایط غیر بهداشتی زندگی می کنند، ۲۵ درصد اهالی شهرها و ۷۱ درصد روستائیشان فاقد آب آشامیدنی سالم هستند، ۲۵ درصد انسانها در بیخوله های زندگی می کنند و بالاخره ۲۷ درصد آنها در کره زمین در تمام طول زندگی خود از ابتدائی ترین امکانات بهداشتی محروم بوده اند.

اگر در سال ۱۹۸۱ میانگین تولید ناخالص ملی سرانه در کشورهای صنعتی رشد یافته ۱۱۱۲ دلار بود، این شاخص در گروه کشورهای رشد یافته ۴۰ بار کمتر بود. در ۲۴ کشور دارای حداقل درآمد (از آنجمله هندوستان، اندونزی، پاکستان، ژاپن، اتیوپی) که حدود نیمی از مردم کره زمین در آنجا زندگی می کنند، تولید ناخالص ملی سرانه از ۲۷۰ دلار تجاوز نمی کند.

در کشورهای رشد یافته ۸۵۰ میلیون نفر در مرز مرگ و زندگی بسر می برند. در این کشورها، در نتیجه عدم خدمات پزشکی روزانه ۴۱ هزار کودک می میرند.

طی ۲۵ سال اخیر سهم کشورهای رشد یافته در تولید صنعتی جهانی عملاً تغییر محسوسی نکرده است. مثلاً، این سهم در فاصله سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱ فقط ۰/۱ درصد افزایش داشته است، یعنی از ۱۰/۲ به ۱۰/۳ درصد رسیده است. در سال ۱۹۸۱ سهم کشورهای آفریقایی در تولید صنعتی جهان فقط ۰/۹۲ درصد، سهم کشورهای آسیایی ۲/۳۴ درصد و سهم کشورهای آمریکای لاتین ۵/۹۸ درصد بود. در اوایل دهه ۸۰، سهم مجموعه این کشورها در صادرات کالاهای صنعتی جهان از ۱۰ درصد تجاوز نکرد.

علت اساسی چنین فقر و فلاکت گسترده در "جهان سوم" چیست؟

اگر در گذشته سیستم استعماری امپریالیسم غارت طبیعی و استثمار مردم مستعمرات را سازمان می داد، امروز انحصارهای فرامپلینی به غارت می بندد و بار "جهان سوم" ادامه می دهند.

در سند منتشر شده از جانب کنفرانس هفتم رؤسای کشورهای غیر متعهد (دهلی، سال ۱۹۸۲) گفته می شد که طی فقط ۲۰ سال پس از فروپاشی سیستم

جهانی، یکی از مهمترین عوامل بازدارنده امپریالیسم از دستیابی به ناکر اجوئی های هستی برانداز و در عین حال ضامن حفظ دستاوردهای انقلابی خلقهاست.

برنامه صلح اتحاد شوروی، از جمله برنامه صلح بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی سرشت تاریخی دارد و در ماهیت خود به مثابه ادامه منطقی و استمرار بی گسست کاربست اصول فرمان لنین درباره صلح است. در جهان امروز، بخاطر ابتکارهای خلق و همه جانبه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، نمی توان امر صلح را جدا از سوسیالیسم به تصور در آورد. این واقعیت که صلح و سوسیالیسم همزاد یکدیگرند به روشنی چهره خود را در صحنه سیاست بین المللی و بویژه در پیشگاه خلقهای جهان نشان می دهد، زیرا در حالی که هر روز آهنگ تدارک مادی جنگ از سوی ایالات متحده و در کل "ناتو" شتاب فزاینده ای بخود می گیزد، اتحاد شوروی در پیشاپیش جنبش عظیم صلح، با پیشنهادها و چاره اندیشی های خود برای ایجاد جهانی عاری از جنگ افزارهای هسته ای، از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. حزب لنین که ابتکار تاریخی پیشبرد امر صلح را در دست دارد، در عمل نشان داد از آنچنان توانایی علمی، فنی و نظامی برخوردار است که می تواند هارت ترین محافل امپریالیستی حاکم بر ایالات متحده آمریکا را بر سر میز مذاکره بنشاند.

همچنین نشان داده است که خواهان گفتگوهای برابر حقوق، سازنده و بارآوری است، که به کاهش واقعی تسلیحاتی بیانجامد. حضور رفیق کارباچف، دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی در ریکیاویک با دستهای پر گواه صادقی بر این مدعاست. اتحاد شوروی باینر خورد اصولی و همه جانبه خود در زمینه پیشبرد امر صلح نمایان ساخته است که بر "گفتگو از موضع زور" دست برد می گذارد و این سیاست نه تنها در شرایط کنونی بردی ندارد، بلکه اردوگاه سوسیالیسم نیز پایخ شایسته و دندانشکن خود را دارد. این نیز از دستاوردهای اکتبر کبیر است.

جنبش ضد جنگ که در دهه های اخیر به یکی از عناصر جدی سیاست جهانی تبدیل شده است، یکی از محورهای ویژه ساختار نوین مناسبات بین المللی است. مقیاس و نفوذ گسترده مبارزه توده ای علیه تهدید جنگ، بر این اندیشه مارکسیستی - لنینیستی در ارتباط با نقش رشد یافته توده های خلق در تاریخ - که لنین آن را به عنوان یکی از "زرف ترین و مهمترین مفاهیم مارکسیسم، توصیف کرد - بار دیگر مهر تأیید می زند. بر این بنیان خلق و حزب کمونیست اتحاد شوروی در راستای گسترش همین جنبش توده ای ضد جنگ و ایجاد جهانی عاری از جنگ افرار است که ماهیت صلح جویانه اکتبر را به نمایش می گذارند. علیرغم کارشکنی ها و سنگ اندازی های محافل امپریالیستی و نیروهای جنگ طلب، عزم استوار خلق شوروی و حزب لنین در پیگیری استراتژی صلح را در سخنان اخیر رفیق کارباچف می توان دید.

"خلق ورهبری شوروی در این نکته متفق القول هستند که سیاست سوسیالیسم تنها می تواند و باید سیاست صلح و خلع سلاح باشد، ما از مشی کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی منحرف نخواهیم شد".

پیرامون مسافرت ملک فارلین ****

ریگان - در یک مصاحبه رادیهویی گفته‌های رفسنجانی را تأیید کرد و برقراری هرگونه تماس با مشاور امنیتی سابق ریگان را تکذیب کرد.

توضیحات رفسنجانی و موسوی فاقد پایه منطقی است. این گفته‌ها در واقع توجیه دیپلماتی مخفی و خائنه‌انه رژیم "ولایت فقیه" در کوشش برای نزدیکی هر چه بیشتر به امپریالیسم آمریکا است. در واقع نیز چگونه می‌توان قبول کرد که فردی مانند ملک فارلین بدون ویزا و اجازه وزارت امور خارجه ج.ا. بتواند وارد ایران شود، در متنی اقامت کند و هیچ یک از ارگانهای گوناگون اطلاعاتی رژیم از آن باخبر نباشد؟ وانگهی چه کسانی می‌خواستند با ملک فارلین وارد مذاکره شوند که خمینی مانع آنها شده است؟

سخنگویان رژیم به این سئوالها پاسخ نمی‌دهند، زیرا در تدارک این مسافرت شرکت داشتند و هدف مشخصی را نیز تعقیب می‌کردند.

به گفته خیرگزاریهای غربی مسافرت ملک فارلین به ایران به خاطر معامله سیاسی - دیپلماتیکی بوده است که در چارچوب آن سران ج.ا. می‌بایست آزادی گروگانهای آمریکائی را در لبنان فراهم آورند و در مقابل دولت آمریکا سلاحهای مورد نیاز ج.ا. را در اختیار هیئت حاکمه ایران قرار دهد.

سوابق امر و نیز آزادی یکی از گروگانهای آمریکائی در لبنان از جانب حزب اللهی‌های جیره‌خوار ج.ا. صحت نظر اخیر را به ثبوت می‌رساند.

"نامه مردم" چندی پیش در تفسیری پیرامون مصاحبه مطبوعاتی هاشمی رفسنجانی (که در آن امکان بهبود رابطه با امپریالیسم آمریکا مطرح شده بود) نوشت که این اظهارات تصادفی نیست و تدارکی است برای رسمیت دادن به روابط پشت پرده ج.ا. با امپریالیسم آمریکا. ریودن چند نفر آمریکائی در لبنان از جانب جیره‌خواران ج.ا. نیز در ارتباط با این دیپلماتی پشت پرده سران ج.ا. است، کما اینکه آزادی یکی از گروگانهای آمریکائی پس از مسافرت ملک فارلین به تهران نیز با این سیاست پیوند نزدیک دارد.

۲۰ مهر ماه سال جاری روزنامه "اطلاعات" بیانیه "دفتر تحکیم وحدت انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاهها" را در مورد سالگرد اشغال "لانگ جاسوسی" منتشر ساخت. در این بیانیه مطلبی مطرح شده که تا اندازه‌ای پرده از ماجرای مسافرت ملک فارلین به تهران بر می‌دارد. دانشجویان در

بهاشبه خود پس از تذکر اینکه برخورد با امپریالیسم آمریکا "بیک برخورد وجودی و ماهوی بوده و هیچ حرکت و تلاشی نمی‌تواند عین این دشمنی را حتی به تبدیل کشاند" گفته می‌شود: "البته بعضی از گرایشات ذهنی و عملی به انحاء مختلف در تلاشند که آگاهانه یا ناآگاهانه این خصومت ذاتی را به نحوی تعدیل کرده و آن را به حالت میانه روی بکشانند و این همان است که آمریکا طلب می‌کند".

مسافرت ملک فارلین و همراهانش به تهران را باید در سخوده این به اصطلاح "گرایشات ذهنی و عملی" پیکاوای کرد.

مواداران این "گرایشات ذهنی و عملی" که تعیین کننده سیاست داخلی و خارجی رژیم هستند از مدت‌ها پیش با نمایندگان ریگان، هم در تهران و هم در اروپای غربی تماسهای سری داشتند. خبرگزاریها فاش ساختند که واشنگتن بابت هر یک از گروگانهای آزاد شده یک معامله اسلحه با سران ج.ا. انجام داده است.

آخرین خبرها حاکی از آن است که تجهیزات نظامی آمریکا به ایران از بندرهای دانمارک حمل می‌شده و این امر هم اکنون موجب اعتراض شدید محافل دمکراتیک آن کشور گردیده است.

مطبوعات خارجی خاطرنشان می‌سازند که اعزام ملک فارلین به ایران نمی‌تواند فقط برای حل مسئله گروگانها باشد. فرد هالیدی پروفیسور روابط بین‌المللی در دانشگاه اقتصاد لندن در تحلیل جوینت دیگر مناسبات سری از جمله علل زیر را ارائه می‌کند:

۱ - ایران درگیر مشکلات فراوانی است و نیاز به کمک دارد. گسترش روابط ایران با فرانسه نیز نشان دهنده این واقعیت است.

۲ - ایران نقش مهمی در حمایت از مخالفین حکومت افغانستان (بخوان ضد انقلاب افغانی) ایفا می‌کند و در این زمینه ایران و آمریکا دارای منافع مشترک هستند.

بالاخره فرد هالیدی تأکید می‌کند که واشنگتن از بهبود روابط ایران و شوروی نگران است و می‌کوشد تا جمهوری اسلامی را در اردوی غرب حفظ کند.

اگر به آنچه که فرد هالیدی گفته است سیاست ادامه جنگ سران رژیم را نیز که با استراتژی واشنگتن دایر بر تقویت هر چه بیشتر حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس انطباق کامل دارد بیفزاییم، اشتراک منافع تهران و واشنگتن بیش از پیش برجسته خواهد شد.

مردم ایران این سیاست رژیم را محکوم می‌کنند و علیه آن مبارزه کرده و خواهند کرد.



رفیق نعیم الشعب.....

رفیق نعیم الشعب: این ابتکار اتحاد شوروی که فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه نیز با آن موافقت کرده است، آمریکا و دوستان آمریکا در منطقه را در شرایط دشواری قرار داده است. مثلاً ملک حسین گر چه سرسختانه برای بوجود آوردن یک "سازمان آزادیبخش فلسطین" جدید کوشش می‌کند ولی ناچار است بطور رسمی و بهیچ‌المللی اعلام کند که موافق کنفرانس است و بگوید که از پیشنهاد اتحاد شوروی پشتیبانی می‌کند. در مورد بقیه کشورها هم همینطور است، حتی اسرائیل نیز نمی‌تواند کاملاً آن را نادیده بگیرد ولی سعی می‌کند آن را از محتوا خالی کند و فقط به آن جنبه تشریفاتی بدهد. ما دچار توهم نشده‌ایم، زمان برگزاری این کنفرانس نزدیک نیست ولی نقشه‌های آمریکا نقش بر آب می‌شود. زمان به نفع ما کار می‌کند و نه آمریکا که اکنون واقعاً نگران است.

زیرا رژیم آفریقای جنوبی در حال سقوط است و به این ترتیب افکار عمومی جهانی مساله فلسطین را در صدر توجهات خود قرار خواهد داد. بعلاوه، آمریکا کثیفا می‌داند حتی رژیم‌های دوستان چون رژیم مصر ثبات ندارند و حالت انفجاری در اینگونه کشورها وجود دارد. لذا نقشه‌هایشان پا در هواست. آمریکائیها می‌خواهند این مسئله را قبل از آنکه اتفاقی در منطقه بیفتد حل کنند. آنها حتی از قرارداد کمپ دبوید نیز می‌ترسند. اکنون ۸ سال از کمپ دبوید می‌گذرد و آنها نتوانسته‌اند یک کشور جدید یا یک عنصر جدید به آن بیفزایند. باید

اضافه کنیم که آمریکا در سطح جهانی مسابقه تسلیحاتی را ادامه می‌دهد و می‌خواهد آن را به فضا نیز بکشاند. در استراتژی نظامی - سیاسی آمریکا، خاورمیانه و نزدیک بسیار اهمیت دارد. ولی آمریکا هنوز نتوانسته است در این منطقه یک بلوک نظامی - که خواست دیرین آنست - بوجود آورد. آمریکا می‌خواهد به منزله بخشی از نقشه جهانی خود، اسرائیل و برخی از کشورهای عربی را وارد یک بلوک نظامی کند ولی تا با فلسطین و مسئله آن دست بگریبان است امکان ندارد بتواند این طرح را اجرا کند. آخرین عامل را که می‌توانم در پاسخ به سئوال شانام بپرسم در خود سئوال نیز وجود دارد که قبلاً هم درباره آن صحبت کردیم، ابتکار اتحاد شوروی است که سیاست آمریکا در منطقه را در وضع بسیار بحرانی قرار داده است و آمریکا را به انزوا کشانده است.

همه اینها عواملی هستند که ما را به آینده امیدوارتر کرده‌اند.

"نامه مردم": ارتوضیحات جامع شما تشکر می‌کنیم. رفیق نعیم الشعب: منم به نوبه خود از "نامه مردم" تشکر می‌کنم که فرصت این گفتگوها مردم ایران را فراهم کرده است.

تصحیح و پوزش

با پوزش از خوانندگان عزیز در شماره ۱۱۲۷ نامه مردم، مقاله "پای لنگ دورم" دو اشتباه چاپی وجود دارد. خواهش می‌کنیم به شرح زیر آنها را تصحیح کنید:

۱. ص ۴، ستون ۲، پارگراف ماقبل آخر به کلمه "نپرداخت" پایان می‌یابد.

۲. ص ۵، ستون اول، پارگراف سوم، سطر هشتم "تتش فراژی" درست است، نه "تتش زدائی".

شادباش حزب توده ایران.....

سرکوبگریهای ددمشانه خویش ساخته است. این گنجینه است غرور آفرین برای همه کمونیستهای کشورما.

حزب توده ایران، ضمن سپاسگزاری از این والاترین نمونه تجلی انترناسیونالیسم پرولتری، بنوبه خویش همبستگی جاوداتی کمونیستهای ایران را با حزب لبنانی و پرافتخارتان بادآور می‌شود.

ضمنا یکی از کارمندی اداره برق میدان ژاله تو دستبوشی اداره خودش را حلق آویز کرده و فیض حقوقی ش را هم با چسب بالای سرش زده بود.

بدتر از اینها جریان یک خانواده است که زن هر روز به شوهرش می گفته بابا به هندوانه بخر بدم بچه ها بخورن. بچه ها هر روز هندوانه می خوان. مرد پول نداشته (آخر هندوانه هلوژ کیلویی ۱۰ تومن و هر هندوانه تقریبا ۶۰ تومن می شه). بالاخره یک روز می بیسنه که توی اشغال های منزل، پوست هندوانه است. به همسرش میگه بالاخره هندوانه خریدی؟ زنش می گه: نه توی کوچه یک پوست هندوانه بود که مقدار زیادی از خود هندوانه را داشت، آوردم خانه شستم و تراشیدم و دادم بچه ها خوردن. مرد ناراحت می شه، ۴۰ تومان به زنش می ده و میگه برو یک هندوانه بخر. وقتی زن برمی گرده، می بیند شوهرش خودش را حلق آویز کرده.

اینجا حقیقه، داستان نیست. شاید شماها باور نکنین، ولی اینجا آدم خیلی راحت باور می کنه. بقدری آمار خودکشی و طلاق بالا رفته که هیچوقت سابقه نداشته. بگذریم. خیلی ناراحتت کردم، می بخشی. من که خبر خوش برات ندارم. همه ش درد است و درد".

کارد در استخوان مردم

" چند روزی بود اعصاب خیلی ناراحت بود. آخه بقدری خبرها و داستان های دردناک آدم می شنوه که قلبش از جا ش در میاد. حالا که من به گوشه اش را برایت بنویسم، خواهی دید که حق دارم. یکی از کارگرای بیمارستان قلب که تعاونی مسکن بیمارستان قرار بود برایشان بخره بده، روانی شده. به این ترتیب که تعاونی مسکن برای دادن خانه، اول ۲۰۰ هزار تومن می خواسته که صندوق قرض الحسنه بیمارستان قرار بوده این مبلغ را وام بده به آنهائی که ندارند. یکی از کارگرا تمام دارو نداشت را می فروشه و بقیه اش را می خواسته وام بگیره. این بدبخت هم مرتب به صندوق قرض الحسنه رجوع می کرده. اونها هم امروز و فردا می کردن، تا بالاخره در آخرین فرصت (روز آخر) می گه که نمی توانیم وام بدهیم، پول نداریم. و نوبت آن کارگر از دست می ره. همانوقت که می فهمه، شوک بهش وارد می شه روانی می شه و الان بستریش کردن. به دکتر متکلم رئیس بیمارستان میگه: دکتر متقلب و میگه: من مهنی موعود هستم. می خوام به همه خانه بدم، وام بدم، خلاصه بقدری جریان دردناکه که آدم باورش نمی شه.



پس از بمباران درودوارک

بمباران شهر اراک که در محل های مربوط به ساخت وسائل نظامی در "واکن پارس" و "ماشین سازی" و "آلومینیوم" انجام شد، خسارت ها و تلفات زیادی به بار آورد. در "واکن پارس" گروهی از کارگرانی که برای یافتن سرپناه در محوطه پراکنده بودند و عده زیادی که در کمانالی پناه گرفته بودند به علت انفجار منایع سوخت کشته شدند. هنگام تشییع جنازه همه مردم شهر با خشم و تندر از جنگ و رژیم به خیابانها ریختند. خشم مردم به حدی بود که عوامل رژیم می کشیدند خود را آفتابی نکنند. مقابل استانداری، خواهر یکی از کشته شدگان شعار "مرگ بر خمینی" داد و روبرو جمعیت فریاد زد: چرا "مرگ بر خمینی" نمی گویند؟ ترس ندارد. این سخن سبب شد که ترس بسیاری از مردم فروپریزد و شعار مرگ بر خمینی بدهند. خشم مردم به حدی بود که حتی هنگام آمدن نخست وزیر به اراک، پاسدارها به خیابانها نیامدند و فقط ماموران شهربانی حفاظت خیابانها را به عهده داشتند.

در شهر درود، پس از بمباران، مادری که از کارگران که کشته شده بود، در حالی که به سرو صورت خود می زد، با لهجه مخصوص محلی شعار "مرگ بر خمینی" می داد و با ناله می خواند که خدایا چرا تکه تکه احمد را برای خمینی نمی بری؟ این مسئله تاثر و احساسات ضد جنگ را در مردم برانگیخت.

دفترچه صد برگ ۲۸ تومانی

در آغاز سال تحصیلی، قیمت دفترچه صد برگ با کاغذ کامی ۲۸۰ ریال و قیمت یک عدد خودکار "بیک" به ۲۰ تومان رسیده است. آموزش و پرورش اعلام کرده که کتابهای درسی دیرتر از موعد مقرر توزیع خواهد شد. معلوم نیست تکلیف گروه پرشمار از زحمتکشان که با مشکل بیکاری روبرو هستند و یا از وضع مالی بسیار بدی برخوردارند، چه خواهد شد؟

گوشت یخ زده کیلویی ۷۵ تومانی

قیمت گوشت یخ زده عملا از ۲۵ تومان به ۷۵ تومان افزایش یافته است. بهای گوشت ۷۵ تومانی دولتی به ۱۱۰ تومان رسیده و قیمت گوشت آزاد از کیلویی ۱۵۰ تومان به ۲۰۰ تومان رسیده است. قیمت میوه جات نیز نسبت به بهار چندان فرقی نکرده؛ گیلان سیاه کیلویی ۲۵ تا ۴۵ تومان، گیلان معمولی کیلویی ۲۵ تا ۳۰ تومان، هلو درجه ۲ کیلویی ۲۰ تا ۲۲ تومان و...

پرداخت غرامت های سنگین به انحصارهای امپریالیستی

● پرداخت ۲۸۵ میلیون دلار به شرکت "دوپون" در پائیز ۶۲. پرداخت این غرامت موجب بسته شدن یک کارخانه متعلق به این شرکت در تهران شد.

● در پایان سال ۶۲، مبلغ ۷۵ میلیارد ریال (تقریبا معادل با یک میلیارد دلار) بابت "ضرر" هایی که متوجه شرکت آمریکایی "وستینگهاوس" شده بود، به این شرکت پرداخت شد.

● شرکت های "مک دانلد داگلاس" و "بکتل" در خرداد ۶۲، ۱۲۰ میلیون دلار بابت "ضرر" های مالی ا.ر.ج. دریافت کردند.

با شتابی که این روند به خود گرفته است می توان غرامت های سرسام آوری را که دولت ج.ا. به کمپانی های آمریکایی و دیگر انحصارهای امپریالیستی می پردازد، تخمین زد.

لازم به توضیح است که از سوی ج.ا. شعبه ای از "اداره خدمات امور حقوقی" با بیش از صد نفر پرسنل در شهر لاهه پایتخت هلند دایر شده است. پرسنل این شعبه با حداقل ۱۸ هزار تومان حقوق ماهانه استخدام شده اند. این شعبه همراه با گزارش از فعالیت های جاری خود، بسته

"محرمانه" ای را نیز برای "دولت متبوع" خود ارسال می دارد که حاوی گزارش هایی در مورد دانشجویان و مهاجران سیاسی است. و نیز باید یادآور شد که به علت حساس بودن کار "اداره خدمات امور حقوقی"، بخش "حراست" آن، به دلیل "مسائل امنیتی" پرسنل مربوطه را شدیداً زیر نظر دارد و تمام تلاش رژیم در این است که افراد "مکتبی" مورد اعتماد خود را در این سازمان بکار بگمارد.

انحصارهای امپریالیستی و آمریکایی تاکنون توانسته اند میلیاردها دلار از ثروت های ملی ما را زیر عنوان "غرامت" با رضایت سران مرتجع رژیم ج.ا. غارت کنند.

موضوع از این قرار است که پس از امضاء "بیانیه الجزایر" - قرارداد بسته شده بین دولت ج.ا. و آمریکا سازمان وسیعی بنام "اداره خدمات امور حقوقی" با بیش از ۲۰۰ پرسنل در مین ما تاسیس شده که کار آن مطالعه دعوی شرکت های مختلف آمریکایی علیه ج.ا.، تهیه دفاعیه از جانب رژیم و ترجمه و ارسال آنها برای دادگاه بین المللی لاهه است. اکثریت پرسنل این سازمان را وکلای دادگستری و مترجمان زبردست و فارغ التحصیلان دانشگاه های انگلستان و آمریکا تشکیل می دهند که بخاطر حجم بیش از اندازه دعوی و ضرورت تهیه جوابیه ها و ترجمه آنها به استخدام درآمده اند. این سازمان - که علا نشان داده که از منافع شرکت های آمریکایی دفاع می کند، منتقیما نخست وزیری در ارتباط است.

دعوی مورد رسیدگی مربوط به بیش از ۲۵۰ شرکت آمریکایی است که تعدادی از آنها در زمره شرکت های غول پیکر این کشور هستند. علیرغم آن که برای هر مورد "حقوقی" ماهها صرف نامه نویسی، تهیه گزارش و مبادله جواب های دفاعی و غیره می شود، در بالغ بر ۹۸ درصد دعوی، دولت ج.ا. بازنده اعلام می شود. رژیم موظف است که غرامت های وارده به شرکت های آمریکایی را فوراً بپردازد.

به عنوان مشت نمونه خروار، پرداخت سه رقم غرامت از جانب رژیم ج.ا. به شرح زیر است:

